

بازپژوهی فقهی مسئولیت کیفری ناظر غیر دیده بان در جنایت قتل عمد عنوان مقاله^۱

علمی - پژوهشی

محمد نوذری فردوسیبه *

علیرضا رستمی قفس آبادی **

محمد حسین جهانی ***

چکیده

دیده‌بانی در جنایت قتل که موجب تسهیل در تحقق جرم می‌شود، از مصادیق معاونت بوده و از نظر حقوقی به دلیل نظریه استعاره مجرمیت معاونت از جرم اصلی، قابل مجازات است و از نظر فقهی، با توجه به روایات موجود، مجازات کور کردن چشم برای دیده‌بان پیش‌بینی شده است. اما در مورد ناظر غیر دیده‌بان مشهور فقها هیچ‌گونه مسئولیتی را متوجه شخص ناظر نمی‌دانند در حالی که در فرض وجود وظیفه قانونی و ترک فعل از سوی ناظر ترتب مسئولیت کیفری امری انکار ناپذیر می‌باشد. از سوی دیگر در صورت عدم وجود مسئولیت قانونی، با سنجش حالت ناظر نسبت به مجنی علیه ترتب مسئولیت کیفری از راه معاونت و تسبیب امکان پذیر است. و با استناد به قاعده «حرمت اعانت بر اثم» و براساس قاعده «التعزیر لکل امر محرّم» قابلیت مجازات ناظر غیر دیده بان ثابت می‌باشد. در این پژوهش تلاش شده با بررسی نظریات مختلف، مسئولیت کیفری ناظر غیر دیده بان در جنایت به اثبات برسد تا با لزوم اقدام متناسب از سوی حاضران در صحنه قتل، از تحقق جرائم و آسیب‌های اجتماعی پیشگیری شود.

کلید واژه‌ها: ناظر، دیده بان، مشاهده، معاونت، قتل

۱- تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۰۳/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۸

*استادیار گروه فقه و مبانی حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسؤول) abasaleh.s@gmail.com

** استادیار گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه قم، قم، ایران. ali_ebnebrahim@Gmail.com

*** دانش آموخته دکتری فقه و مبانی حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران. mhjahani11@yahoo.com

۱- مقدمه

جنایت قتل از جمله جرائمی است که به حسب ظاهر محصول کنش مجرمانه مباشر نسبت به مجنی- علیه است اما گاهی یک جنایت نتیجه افعال مجرمانه افراد متعددی است که خواسته یا ناخواسته زمینه وقوع جرم را فراهم می‌آورند چنان که بعضی با دیده‌بانی و بعضی دیگر با حضور و مشاهده جنایت، بدون هیچ واکنش بازدارنده‌ای، موجب تشویق و ترغیب خاطیان و متجاوزان می‌شوند. و قانون‌گذار، به منظور حفظ و صیانت از افراد و تأمین امنیت جامعه، با توجه به هر نوع رفتار تسهیل‌کننده جرم و تحقق معاونت این افراد، احکام و مجازات‌های مختلفی را وضع نموده‌اند. اما سؤال اساسی این است که آیا تحقق عنوان معاونت در مورد همه این افراد؛ اعم از ناظر و دیده بان ثابت است؟ یا تحقق عناوین مجرمانه، منوط به وجود ملاک و معیار خاصی است؟ آیا صرف مشاهده جنایت بدون هیچ عمل بازدارنده‌ای موجب تحقق عناوین مجرمانه خواهد بود؟ فقها و حقوق دانان، در خصوص مشاهده جنایت قتل توسط ناظر بحث مستقلی مطرح نموده و تنها در ضمن بحث معاونت در جنایت، به صورت گذرا به آن پرداخته‌اند. از سوی دیگر در قانون مجازات اسلامی نیز بحث نظارت غیر دیده بان بر جنایت مغفول مانده و هیچ قانون صریح و روشنی در این زمینه وجود ندارد و همین خلأ قانونی موجب شده که در موارد متعددی با فرض حضور ناظرین و امکان انجام عمل بازدارنده از وقوع جنایت، اقدامات لازم از سوی حاضرین صورت نپذیرفته و زمینه تحقق جنایت برای مجرمان فراهم می‌آید و قضات نیز با توجه به عدم صراحت قانون در این موارد به براءت حاضرین در جنایت حکم نمودند. در حالی که با عنایت به اصل ۱۶۷ قانون اساسی و بهره‌گیری از نظرات فقها و وضع قوانین و ایجاد محدودیت‌ها برای ناظرین در فضای جنایت می‌توان از وقوع بسیاری از جرائم و آسیب‌های اجتماعی جلوگیری نمود.

۲- ناظر جنایت در فقه

در خصوص امکان مسئولیت کیفری ناظر غیر دیده بان در جنایت قتل عمد، از سوی فقها چندین نظریه ابراز شده است.

۲-۱- مسئولیت کیفری ناظر غیر دیده بان به صورت مطلق

برخی از فقها هرگونه نظارت بر جنایت را موجب تحقق عمل مجرمانه دانسته و در این صورت معنای

عام ناظر را مدنظر قرار داده و اظهار می‌دارند که هر شخصی در زمان و مکان تحقق جنایت، ناظر قتل دیگری باشد و اقدامی برای جلوگیری از وقوع آن به عمل نیاورد، مسئولیت داشته و مستحق مجازات است. اعم از اینکه ناظر به قصد دیده بانی یا غیر دیده بانی صحنه جنایت را مشاهده کند (طرابلسی، ۱۴۰۶: ۴۶۸/۲).

۲-۱-۱- نقد نظریه

این نظریه با توسعه مفهومی در لفظ ناظر، آن را شامل هر فردی که نظاره‌گر جنایت باشد، نموده و معتقد است مجازات منوط به تحقق دیده‌بانی در قتل نیست و افعال صادره از سوی ناظرین جنبه استقلالی نداشته و فرع بر فعل مباشر است و عنوان مجرمانه بر آن مترتب می‌شود. اشکال این نظریه این است که ترتب عنوان مجرمانه بر عمل شاهد جنایت، منوط به وجود وحدت قصد بین ناظر و قاتل یا صدق عرفی تحقق مساعدت و تسهیل در وقوع جرم است، در حالی که تحقق چنین ملاکی در همه موارد نظارت جنایت، امری برخلاف فهم عرف و ارتکاز عقلا است؛ زیرا در بسیاری از موارد، ناظرین، منکر اراده مشترک با مباشر در قتل بوده و از سویی عرف نیز، همواره صرف حضور در صحنه جرم را موجب تسهیل ارتکاب جرم و تحقق عنوان معاونت نمی‌داند. در نتیجه مجرم دانستن ناظر و ترتب مجازات بر عمل وی در همه موارد مشاهده جنایت، قابل توجیه نیست.

۲-۲- نظریه عدم مسئولیت کیفری ناظر غیر دیده‌بان

مشهور فقها بر این باورند که وجود وحدت قصد بین ناظر دیده بان و قاتل و همراهی و مساعدت مباشر در انجام عمل مجرمانه، موجب تحقق مسئولیت کیفری وی به عنوان معاون جرم می‌شود؛ زیرا بین فعل ناظر و جنایت قتل، رابطه سببیت برقرار می‌شود و همین امر در تحقق اعانه و معاونت در جرم کافی است. (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۲-۴۶)، (خویی، ۱۴۳۰: ۲۸۳) (اردبیلی، ۱۳۹۸: ۴۹/۲) و فقها مجازات ناظر دیده بان جنایت را تسمیل عین یا کور کردن چشم وی می‌دانند.

و این نظریه در بین فقهای شیعه از شهرت قابل قبولی برخوردار است (مفید، ۱۴۱۳، ۷۴۵) (سیدمرتضی، ۱۴۱۵: ۲۷۰) (طوسی، ۱۴۰۰: ۷۴۴) (سالار، ۱۴۰۴: ۲۳۸) (ابن زهره، ۱۴۱۷: ۴۰۷) (حلی، ۱۴۲۰: ۵۱۴/۲) (سبزواری، ۱۴۱۳: ۱۹۶/۲۸) (تبریزی، ۱۴۲۶: ۳۸) (مدنی، ۱۴۱۰: ۱۵) در حالی که حقوق موضوعه به مجازات خاصی در مورد ناظرین اشاره نکرده و کیفیت مجازات دیده‌بان با سایر معاونین در

جنایت، یکسان تلقی شده است. دلیل فقهای امامیه در کیفیت مجازات ناظر دیده بان بر اساس روایت معتبر سکونی است که در کافی و تهذیب و من لا یحضره الفقیه و دعائم الاسلام نقل شده است. در این روایت چنین آمده است:

«سه متهم را خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام آوردند که یکی از آنها شخصی را گرفته و دومی آن را می کشد و شخص سومی نظاره گر این صحنه است. حضرت در مورد ناظر، به کور کردن چشم حکم داد و ممسک را محکوم به حبس ابد نمود و قاتل را به قصاص محکوم فرمود» (کلینی، ۱۴۰۷: ۷/ ۲۸۸) (صدوق، ۱۴۱۳: ۴/ ۱۱۸) (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۰/ ۲۱۹)

به بیان دیگر مشهور فقهای امامیه معتقدند مجازات کور کردن یا تسمیل چشم مبتنی بر تحقق عنوان ناظر دیده بان است. بنابراین، صرف مشاهده غیر دیده بان، موضوع حکم کیفری و مجازات نیست، بلکه صدق عنوان دیده بانی و مراقبت، علت اصلی تحقق عنوان مجرمانه نظارت است. و ترتب احکام کیفری نسبت به ناظر منحصر در تحقق عنوان دیده بانی خواهد بود. زیرا نظارت و مشاهده مستقیم جنایت توسط دیده بان، شرط تحقق معاونت در جرم نیست، بلکه حتی در صورتی که دیده بان خارج از صحنه جنایت مشغول نگهداری و مراقبت باشد و با این عمل وقوع جرم، توسط مباشر را تسهیل نماید نیز مشمول این حکم خواهد بود. (مفید، ۱۴۱۳: ۷۴۵). (سیدمرتضی، ۱۴۱۵: ۲۷۰) (سالار، ۱۴۰۱: ۲۳۸) (طوسی، ۱۴۰۸: ۲/ ۴۳۶). (حلی، ۱۴۰۵: ۵۷۹). (علامه، ۱۴۱۳: ۲: ۲۸۳)

بدیهی است روایت موجود صرف نظارت را شامل نمی شود؛ زیرا در نقل دعائم الاسلام از عبارت «ینظر لهما» همراه با عبارت «لثلا یاتیهم احد» استفاده شده است. و مقصود از ناظر شخصی است که مباشر و ممسک را از آمدن افراد دیگر باخبر می سازد و معاونت در جنایت از سوی مراقب صورت می پذیرد. (مفید، ۲: ۱۳۸۵/ ۴۰۹) (علیشاهی، کریمی، ۱۳۹۸، ۱۵۰/ ۵۸) و حرف لام در این عبارت، ظهور در عملی دارد که در مسیر تحقق عمل مجرمانه، همکاری و مساعدت با قاتل صورت پذیرفته است. در نتیجه محکومیت دیده بان به حکم مذکور، موجه می شود (منتظری، ۱۴۰۹: ۲/ ۵۲۴) (مدنی، ۱۴۱۰: ۱۶)

بنابراین، عمل مشاهده جنایت از سوی ناظر غیر دیده بان، تخصصاً از موضوع این روایت خارج می شود. (نجفی، ۱۴۰۴، ۱۵۳/ ۴۲) و علامه حلی نیز در راستای این نظریه بیان می دارد:

« هر گاه شخصی، انسانی را در مهلکه‌ای ببیند و با قدرت بر نجات او از این کار صرف‌نظر کند، هیچ‌گونه ضمانتی متوجه او نخواهد بود.» (علامه، ۱۴۲۰: ۵/۵۵۱) و مشهور فقها نیز معتقدند در موارد شک در ترتب ضمان، عدم مسئولیت کیفری ثابت است. (عاملی، ۱۴۱۹: ۱۶/۶۳۴) شهیدثانی، ۱۴۱۳، ۱۵/۳۸۳) (مدنی، ۱۴۲۶، ۲۲۰) از سوی دیگر امر عدمی، مانند ترک فعل توسط ناظر غیر مراقب، صلاحیت ایجاد و تحقق امر وجودی، مانند ضمانت و معاونت را نخواهد داشت. و حقوقدانان نیز مساله نظارت غیر دیده بان را موجب مسئولیت کیفری ندانسته و هیچ‌گونه مجازات بازدارنده ای را متوجه شخص ناظر نمی دانند همچنانکه در رای دیوان عالی کشور به این مطلب تصریح شده است:

«سکوت و عدم اقدام به جلوگیری از ارتکاب بزه را نمی شود معاونت تلقی کرد. بنابراین، اگر کسی در حضور دیگری مرتکب قتلی شود و شخص حاضر با امکان جلوگیری سکوت اختیار کند شخص حاضر مستوجب هیچ‌گونه مجازاتی نیست» (حکم شماره ۲۵۰۴ - ۱۷/۱۱/۶) در حقیقت حقوقدانان جرائم ناشی از ترک فعل ناظر را ملازم با تحقق عناوین مجرمانه نمی دانند و هر گونه رفتار انفعالی ناظر یا پیوند معنوی بین ناظر و مباشر جرم را از نظر موازین اخلاقی ناپسند و در خور سرزنش می دانند. (اردبیلی، ۱۳۸۱، ۴۹/۲)

۲-۲-۱- نقد نظریه

به نظر می رسد این نظریه مبتنی بر نگاه فلسفی و عقلی صرف در مورد تحقق معنای علیت و سببیت در معاونت است. براساس این مینا هیچ‌گاه ترک فعل ناظر نمی‌تواند به‌عنوان علت و سبب مسئولیت شناخته شود؛ زیرا از نگاه فلسفی امر وجودی به‌هیچ‌عنوان برخاسته از امر عدمی نخواهد بود. حال آنکه تفسیر موضوعات حقوقی با نگاه فلسفی صحیح به نظر نمی‌رسد؛ زیرا در مباحث فقهی و حقوقی دخالت ملاک‌ها و معیارهای عرفی غیرقابل انکار است. بنابراین هرگاه عرف بین دو واقعه رابطه علیت و سببیت را کشف کرد، تربت مسئولیت کیفری بلامانع خواهد بود. چنان که از ظاهر کلمات برخی از فقها همانندی تسبیب عدمی و وجودی استفاده می‌شود. (شوشتری، ۱۴۲۷: ۱۶۰/۲)

درواقع انجام جنایات منوط به تحقق امور وجودی نبوده، بلکه در موارد متعددی ترک فعل از سوی اشخاص، اقتضای تحقق جرم در خارج را داشته و ترک فعل شخص می‌تواند موضوع ترتب احکام

کیفری قرار گیرد و همین مطلب بهترین دلیل بر امکان مجازات ناظر است. چنان که در کلمات حقوقدانان به این مطلب تصریح شده است. (صادقی، ۱۳۹۶: ۴۵)

افزون بر اینکه این نظریه معاونت در جنایت را منحصر در نظارت و نگهداری جنایت دانسته اما در مورد ناظرین جنایت که بدون قصد مراقبت، در صحنه جرم حضور داشته و از انجام هرگونه واکنش و اقدام متعارفی خودداری می‌کنند هیچ حکمی را بیان ننموده است. در حالیکه پرداختن دقیق به موضوع افرادی که بدون قصد نگهداری و با اغراض دیگر تنها به مشاهده صحنه جرم می‌پردازند از نگاه فقهی و حقوقی امری ضروری به نظر می‌رسد و امکان ترتب مسئولیت کیفری در فرض ناظر غیر دیده‌بان وجود دارد.

۳-۲- نظریه تفصیل در مسئولیت کیفری ناظر غیر دیده‌بان

طبق این نظریه صدق عنوان معاونت در جنایت برای ناظر دیده بان مسلم فرض شده است. نقطه افتراق این دیدگاه با نظریه مشهور در نوع تعامل با فرد غیر دیده‌بان است. مشهور فقها، هیچ‌گونه مسئولیتی، از جمله حکم تسمیل را متوجه ناظر غیر دیده‌بان نمی‌دانند. در حالی که به نظر می‌رسد نفی حکم تسمیل از این گونه ناظرین، دلالت بر نفی سایر احکام جزایی به طور مطلق، ندارد. در توضیح این دیدگاه، باید گفت در خصوص ناظر غیر دیده‌بان دو فرض کلی قابل تصور است.

۳-۲-۱. فرض وجود وظیفه قانونی

طبق این فرض رفع مسئولیت کیفری مطلق از ناظر غیر دیده‌بان صحیح به نظر نمی‌رسد، بلکه در صورت وجود وظیفه قانونی یا قراردادی، و عدم اقدام مقتضی از سوی ناظران در صحنه جرم، تحقق مسئولیت کیفری برای این افراد دور از انتظار نیست. پس، اگر ترک فعل از سوی ناظر، توأم با سوء نیت باشد، در این صورت احراز رابطه سببیت بین ترک فعل و جنایت امکان‌پذیر است و ناظر به مجازات معاونت در جرم عمدی محکوم می‌شود. زیرا شخص ناظر به وظیفه قانونی خود که از لحاظ حقوقی به عنوان «وظیفه اقدام» شناخته می‌شود عمل ننموده است. برای مثال اگر فردی در حال غرق شدن باشد و شخصی که وظیفه قانونی نجات غریق را بر عهده دارد، با التفات به اضطرار شخص، از نجات وی سرباز زند و تنها نظاره‌گر واقعه باشد، مسئول قتل غریق خواهد بود. زیرا در این گونه موارد احراز رابطه سببیت بین ترک فعل و ایجاد جنایت، امری انکارناپذیر است. (گلپایگانی،

۱۳۶۹، ۲۸۹/۳) (مکارم، ۱۴۲۷: ۳۸۸/۱) افزون بر اینکه ماده ۲۹۵، تبصره ماده ۱۵۲ و تبصره دو ماده ۵۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، نیز ناظر به همین موارد است. به بیان دیگر با توجه به اینکه ترک فعل ناظر وقوع جرم را تسهیل بخشیده و روند جریان جنایت را تسریع می نماید تحقق عنوان معاونت امکان پذیر خواهد بود. همچنانکه بر اساس ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی احراز عنوان معاونت در مورد فرد ناظر دور از ذهن نیست.

اما در صورتی که ترک فعل به دلیل اموری چون سهل انگاری و غفلت باشد، ناظر، به عنوان معاون در جرم شناخته نمی شود اما حسب مورد و موضوع موجود ضامن جنایت خواهد بود. (بجنوردی، ۱۴۰۱، ۱۹۸/۱) (موسوی اردبیلی، ۱۳۹۰، ۲۸)

در حقیقت با وجود وظیفه قانونی ناظر و احراز رابطه سببیت بین ترک فعل شخص و وقوع جنایت، تحقق مسئولیت و ضمانت امری مسلم خواهد بود. زیرا با وجود شرایط، مساعدت و یاری رساندن ناظر امری لازم و ضروری بوده و ترک «وظیفه اقدام» مسئولیت کیفری فرد به وی را در پی خواهد داشت. (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۶: ۳۰) (سبزواری، ۱۴۱۳، ۱۵۸/۲۹) و دلیل بر این مطلب تحقق استناد جرم ناشی از ترک فعل شخص ناظر است که عرف عقلا آن را پذیرفته و ارتکاز عقلا ترک مسئولیت قانونی و قراردادی را همانند ایجاد فعل مجرمانه موجب تحقق مسئولیت کیفری می داند.

۳-۲-۲- فرض عدم وجود وظیفه قانونی

اما در فرض عدم وجود مسئولیت قانونی بررسی نوع ارتباط ناظر نسبت به مجنی علیه امری ضروری است. به این صورت که اگر مشاهده جنایت به عنوان یکی از اسباب و مقدمات نزدیک در وقوع جرم بوده و جزء علت تامه قتل محسوب شود و حضور ناظرین در صحنه جنایت از نگاه عرف و ارتکاز عقلا تشویق و تهییج و ترغیب قاتل را در بر داشته باشد یا اینکه حضور ناظرین مانعی در جهت مداخله و مساعدت ماموران امنیتی و امدادی گردد تحقق عنوان معاونت در مورد شخص ناظر ثابت خواهد بود اگر چه بین ناظر و قاتل وحدت قصد و اراده در فعل وجود نداشته باشد بلکه صرف علم و اطلاع ناظر از قصد و اراده قاتل در تحقق معنای معاونت کافی خواهد بود زیرا صدق عرفی معاونت در تحقق عنوان مجرمانه کافی خواهد بود. همچنانکه برخی از فقها به این مطلب تصریح نمودند. (اردبیلی، بی تا، ۲۹۷) بر این اساس با توجه به بند الف ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی می توان مشاهده جنایت را

موجب تحقق عنوان معاونت دانست همچنانکه برخی فقها عدم مساعدت مجنی علیه را ملازم با مسئولیت کیفری شخص می دانند. (ابن حزم، ۱۳۵۲: ۵۲۲/۱۰) و برخی حقوقدانان در این مورد بیان می دارند:

«خویشنداری به منظور تسهیل وقوع جرم و یا خودداری از منع ارتکاب جرم که از آن افاده تحریک یا ترغیب شود ممکن است نوعی معاونت تلقی شود» (اردبیلی، ۱۳۸۱، ۴۹/۱)

اما در صورتی که مشاهده جنایت از سوی ناظر به عنوان مقدمه بعید صورت پذیرد و تاثیر مستقیم در وقوع جنایت نداشته باشد همچنان امکان تحقق معاونت وجود دارد. به این صورت که اگر شخص ناظر به صورت عمدی از مساعدت مجنی علیه خودداری نماید و بین او و مباشر وحدت قصد و پیوند معنوی در انجام عمل مجرمانه وجود داشته باشد تحقق عنوان معاونت به دلیل ترک فعل ناظر دور از ذهن نخواهد بود. به بیان دیگر اگر مشاهده و دیدن جنایت از سوی شخص ناظر، قوت قلب و انسجام درونی قاتل راه به همراه داشته باشد و افزون بر وحدت اراده، تایید ضمنی قاتل را در بر داشته باشد در این صورت نیز حضور شخص موجب تحقق عنوان معاونت خواهد شد همچنانکه برخی فقها، مسئولیت کیفری ناظر تارک فعل و حاضرین در صحنه جنایت را مسلم می دانند. (قوه قضائیه، ۱۳۸۲، ۸/ ۱۸۱) افزون بر اینکه اطلاق روایت نبوی که صراحتاً تمام اشخاصی که از لحاظ عنصر مادی و روانی موثر در ایجاد عمل مجرمانه می باشند را مستحق مجازات و عقاب می داند بر این مطلب دلالت می کند (کلینی، ۱۴۰۷، ۴۲۸/۶) به این صورت که هر گونه فعالیت و ترک فعلی که به صورت مقدمه قریب و بعید در پیشبرد جنایت تاثیر گذار باشد و به نوعی بر وحدت قصد بین ناظر و قاتل دلالت داشته باشد به عنوان عمل مجرمانه محسوب می شود. در نتیجه اگر مشاهده جنایت از سوی ناظر غیر دیده بان را به عنوان مقدمات بعیده جنایت لحاظ کنیم باز هم به دلیل وحدت قصد ناظر و قاتل، تحقق معنای معاونت ناظر امکان پذیر می باشد همچنانکه بعضی از فقها به این مطلب تصریح نمودند. (فاضل، ۱۴۱۶، ۴۵۱) (کلانتر، ۱۴۱۰، ۹۱/۲) (بجنوردی، ۱۴۰۱، ۳۶۴/۱)

اما در صورتی که بین ناظر و جنایت رابطه علیت قصدی و عرفی وجود نداشته و ناظر از نگاه عقلا به عنوان معاون جرم شناخته نشود اما در عین حال از قصد و اراده قاتل علم و آگاهی داشته باشد و هیچ واکنش بازدارنده ای در جهت نجات مجنی علیه انجام ندهد. در این فرض هم، ترتب مسئولیت کیفری بر اساس تحقق تسبیب ممکن می باشد به این صورت که اگر حضور ناظران در صحنه جنایت

بدون دلیل بوده و با فرض قدرت بر دفاع از مجنی علیه و عدم خوف ضرر، از روی سهل‌انگاری و بی‌تفاوتی هیچ‌گونه اقدامی از سوی آنان صورت نپذیرد و اصل حضور و نظارت اشخاص، موجب تقویت و تجری شخص قاتل بشود، تحقق تسبیب در جنایت در مورد ناظرین ممکن می‌باشد. همچنانکه در این مورد بیان شده است:

«تسبیب به صورت سلبی یا از طریق ترک عمل، در مواردی صدق می‌کند که انجام عملی برای حفظ مال یا جان کسی لازم باشد و شخص از انجام آن عمل بازدارنده از اتلاف سرباز زند.» (عمیدزنجانی، ۱۳۸۲/۱۲۷)

بنابراین گاهی صرف حضور و تماشای صحنه جنایت، بستر و زمینه تحقق جرم را فراهم می‌آورد. زیرا در بسیاری از موارد، ناظرین بدون اینکه قصدی در جهت تسهیل وقوع جرم داشته باشند، موجبات تحقق جرم را فراهم می‌آورند که در این صورت برخورد مناسب، از جمله تعزیر ناظرین از سوی حاکم شرع، امری ضروری به نظر می‌رسد. چنان که برخی از فقها به این مطلب تصریح نموده‌اند. (مراغی، ۱۴۱۷، ۱/۵۶۶)

به بیانی دیگر، در صورتی که ناظر با فرض قدرت بر دفاع از مجنی علیه و عدم خوف از ضرر، به دلیل سهل‌انگاری یا بی‌مبالاتی یا از روی عدوان و دشمنی با مجنی علیه، نظاره گر جنایت علیه مجنی علیه باشد، ولی هیچ‌گونه اقدامی در جهت نجات مقتول انجام ندهد، اگرچه احراز رابطه سببیت بین نظارت و جنایت وارده به مجنی علیه، با دشواری روبروست؛ اما بدون نیاز به تحقق عنوان معاونت، حاکم شرع می‌تواند به منظور حسم ماده فساد و کمک به امنیت و آسایش عمومی، ناظر را تعزیر نماید. به علاوه، با مراجعه به منابع فقه اسلامی از جمله، آیات و روایات، می‌توان حکم وضعی و تکلیفی این گونه اقدامات را اصطیاد نمود.

۳-۲-۱- احکام تکلیفی مترتب بر ناظر غیر مسؤل

حضور ناظران در صحنه قتل با انگیزه و دواعی مختلفی صورت می‌پذیرد و همین امر ترتب احکام شرعی بر عمل ناظرین را در پی خواهد داشت؛ اما بدون در نظر گرفتن قصد افراد که امری نفسی است، اصل حضور و سکوت ناظر در صحنه جنایت موجب تحقق فعل حرام خواهد بود؛ زیرا با فرض قدرت بر دفاع از مجنی علیه و عدم خوف از ضرر، دخالت فرد حاضر در صحنه جنایت، واجب است.

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «وَلَا تَرْكُونُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا» (هود، ۱۳) که در این آیه خداوند به صورت صریح و مطلق از هرگونه تمایل و تأیید و تسامح نسبت به ظالمان نهی نموده است. (حائری، بی تا، ۱/ ۵۰۴) (طباطبایی، بی تا، ۳۱۴) (نراقی، ۱۴۱۷، ۷۵) (مراغی، ۱۴۱۷، ۱/ ۵۶۵) (طبرسی، ۱۳۷۷، ۱۷۰ / ۲) (حقی، بی تا، ۴/ ۱۹۵) (زمخشری، ۱۴۰۷، ۱/ ۲) (۴۳۳) (طریحی، ۱۴۱۶، ۶/ ۲۵۶) بنابراین، با فرض عدم دلالت آیه بر معاونت، ترتب عنوان حرمت بر تأیید و تشویق و تسامح نسبت به متجاوزان ثابت است. چنانکه در کتب فقهی نیز به این مطلب اشاره شده است. (اردبیلی، بی تا: ۳۹۸) (نراقی، ۱۴۱۵/۱۵۳) (لاری، ۱/ ۲۱۷)

از سوی دیگر با توجه به وجوب دفاع مشروع از مجنی علیه، دخالت ناظر جهت عدم وقوع جنایت امری واجب و ضروری است؛ زیرا بنابر نظر فقها دفاع از جان و مال دیگران در صورت استمداد، واجب بوده و ترک آن جایز نیست به گونه ای که باوجود قدرت بر محافظت از مجنی علیه و ایمنی از ضرر و ظن به سلامت، اقدام به دفاع مشروع از دیگران امری واجب و ضروری است. (اصفهانی، ۱۴۱۶: ۶۴۹/۱۰۰) (حلی، ۱۴۲۰، ۵/ ۳۸۴) (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۴۱/۴۱) (۵۸۹) (خمینی، ۱/ ۱۳۷۹) (۴۸۷) (تبریزی، ۱۴۱۷: ۴۵۸)

آیت الله تبریزی مساعدت در جان و مال دیگری را واجب دانسته و برای اثبات این مطلب به روایت مشهور نبوی استناد می نماید. (عاملی، ۱۴۰۹، ۱۵/ ۱۴۱)

صاحب جواهر معتقد است شخصی که توانایی نجات انسانی از مهلکه را داشته باشد و این کار را انجام ندهد، گناهکار است. (نجفی، ۱۴۰۴، ۱۵۳/۴۳) سایر فقها نیز به این مطلب تصریح نموده اند (علامه، ۱۴۲۰، ۵/ ۵۵۱) (داماد، ۱۴۰۶، ۴/ ۱۸۵)

بنابراین اگرچه اصل حضور در صحنه جنایت تلازمی با معاونت یا شرکت در جنایت ندارد؛ اما واضح است که عدم معاونت، دلالت بر عدم حکم تکلیفی نخواهد داشت، بلکه در صورت حضور در مجلس ظلم، مقابله با اشخاصی که درصدد تعدی و ظلم به دیگران هستند، امری واجب و لازم است و ترک نهی از این منکر، مستلزم تحقق حرام خواهد بود. زیرا جرم قتل از جمله جرائم مهمی است که هر گونه بسترسازی و ایجاد مقدمات در مورد آن امری مذموم بوده و شارع هر نوع فعالیت و ترک فعل در این راستای این عمل مجرمانه را جایز نمی داند. (منتظری، بی تا، ۳۸۴)

۳-۲-۲-۲-۱ احکام وضعی مترتب بر ناظر غیر مسئول

بدیهی است صرف ترتب احکام تکلیفی از جمله حرمت، بر مشاهده جنایت، نقش بازدارندگی عمومی نخواهد داشت و بسیاری از افراد با سهل‌انگاری نسبت به احکام تکلیفی، زمینه تحقق جنایات را فراهم می‌آورند. برای پیشگیری از چنین جرائمی، برخورد مقتضی از سوی حکومت اسلامی از جمله امکان تعزیر برای حاکم، ثابت است. و هر زمانی ظلم صورت پذیرفته دارای مفسده بزرگ و عظیمی باشد، تعزیر و برخورد سخت‌تری را در پی خواهد داشت. (مکارم، ۱۴۲۶: ۳۶۸)

بنابراین ثبوت تعزیر ناظر غیرمسئول امری امکان‌پذیر بوده و برای اثبات این مدعی، می‌توان دلایلی به شرح زیر اقامه نمود:

۳-۲-۲-۲-۱. قاعده التعزیر لکل عمل حرام

چنان که گذشت، با فرض قدرت دفاع از مجنی علیه و ترک فعل از سوی ناظر، ترتب حرمت امری ثابت است و در این صورت بنا بر قاعده «التعزیر لکل عمل حرام»، مجازات وی، موجه است؛ زیرا بنا بر نظر بسیاری از فقها در صورت تحقق فعل حرام ترتب تعزیر و مجازات از سوی حاکم اسلامی امری مسلم است. (اردبیلی، ۱۴۱۳: ۱۶۰ / ۱۳) آیت‌الله خوانساری معتقد است، با ملاحظه اخبار، هر چیزی که به ناحق موجب اذیت مسلمانی شود و در شرع برای آن حد مقرر نشده باشد، موجب اعمال تعزیر خواهد بود» (خوانساری، ۱۴۰۵، ۱۱۸ / ۷)

به علاوه، بسیاری از فقها با توجه به سیره معصومین، با الغای خصوصیت و تنقیح مناظ، از روایات خاص، کلیت تعزیر در مورد گناهان را استفاده نموده‌اند. (علامه، ۱۴۰۸، ۴ / ۱۵۵) (محقق، ۱۴۱۸: ۱ / ۲۲۲) (حلی، ۱۴۲۴: ۲ / ۵۰۲) (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۱ / ۴۴۸) (گلپایگانی، ۱۴۱۲: ۲ / ۱۵۵) (منتظری، ۱۴۰۹: ۲ / ۳۰۶) (اصفهانی، ۱۴۱۶: ۲ / ۴۱۵) (خمینی، ۱۳۷۹: ۲ / ۴۵۳)

بنابراین، عدم اقدام مقتضی از سوی ناظرین، ولو به صرف مشاهده جنایت قتل، موجب ترک فعل واجب بشود، ترتب تعزیر را امکان‌پذیر می‌سازد.

فقه‌های اهل سنت نیز به این مطلب تصریح نموده‌اند (جزیری، ۱۴۱۹: ۵ / ۳۹۷)

۳-۲-۲-۲-۱-۱ روایات

براساس روایات، هرگاه انسانی در معرض خطری جانی و تلف باشد و شخص دیگری امکان مساعدت

و کمک رساندن به او را داشته باشد؛ اما از یاری رساندن به مجنی علیه خودداری نماید، ضامن است. از جمله روایتی است که مرحوم صدوق نقل می کند که امام علیه السلام می فرماید:

« هر شخصی که بر قتل مسلمانی حتی به اندازه نیم کلمه یاری رساند، در روز قیامت بر پیشانی او نوشته می شود که از رحمت الهی مأیوس است» (کلینی، ۱۴۱۳: ۴/ ۵۶۲) بسیاری از فقها در مسائل مختلف فقهی از جمله در مسأله اضطرار به این روایت استناد نموده و بیان می دارند که در صورتی که شخصی از دیگران یاری بطلبد و دیگران از یاری رساندن به او خودداری کنند و آن شخص فوت کند، ضامن فوت او هستند؛ زیرا اولاً، چنان که از فحوای روایت شریف استنباط می شود، امتناع از اجابت شخصی که در معرض هلاکت است، اعانه بر قتل مسلمان، محسوب می شود. (محقق، ۱۴۰۸: ۱۸۲/۳) و ثانیاً، در صورت قدرت بر نجات شخص و منتفی بودن خوف ضرر، حفظ نفس محترمه، امری لازم و ضروری است. (طوسی، ۱۳۸۷: ۶/ ۲۸۵) (علامه، ۱۴۱۳، ۸/ ۳۵۴) ثالثاً، موقعیت اضطرار و معرضیت تلف موجب می شود که شخص دارای حقی بر دیگری شود و عدم اجابت شخص، سبب هلاکت وی است و همین امر موجب ضمانت خواهد بود (علامه، ۱۴۲۰: ۵/ ۵۵۱) حتی فقها معتقدند در صورت اضطرار شخص در معرض تلف، تفاوتی بین مسلمان و غیرمسلمان نیست. (شهیدثانی، ۱۴۱۳: ۱۲/ ۱۱۸) و در حقیقت هر زمانی که اضطرار و نیاز به کمک مجنی علیه ثابت شود، تمام ادله ای که فقها در مورد شخص مضطر بیان می دارند در مورد صحنه جنایت ناظر نیز جریان پیدا می کند. و می توان گفت که طبق معیار و ملاکی که فقها بیان نموده اند، یاری رساندن به شخصی که در معرض هلاکت است، امری بدیهی است و ترک فعل از سوی شخص، مسئولیت و ضمانت را در پی خواهد داشت.

از سوی دیگر تحقق مسأله معرضیت هلاکت، منوط به استمداد و طلب مجنی علیه نیست و برای کشف معرضیت هلاکت و احتیاج شخص به مساعدت دیگران، حتی ایجاد لفظ موضوعیت ندارد؛ زیرا طلب مساعدت از غیر به دو صورت طلب قولی و طلب به زبان حال تحقق پیدا می کند و اینکه حالت مجنی علیه به گونه ای است که نیازمند کمک و یاری از سوی ناظر است، بهترین دلیل بر اضطرار و طلب یاری از سوی مجنی علیه است که با زبان حال به دست می آید. چنان که در ابواب مختلف فقهی طلب به دو نوع، گفتاری و رفتاری تقسیم شده است و فقها زبان حال شخص را موجب ترتب احکام

شرعیه قرار می‌دهند. (عاملی، ۱۴۱۹: ۶۳۴/۱۶)

۳-۲-۲-۲-۳- قبح عقلی مشاهده جنایت و بی تفاوتی

از دیدگاه عقلی هرگونه تعدی به حقوق دیگران و ضرب و جرح افراد امری مذموم است و قبح این چنین اعمالی در مواردی مانند جنایت قتل به مراتب بیشتر است. از سوی دیگر نه تنها اصل تحقق این گونه جرائم، ایجاد مقدمات و بسترسازی جهت تحقق قتل و جنایات دیگر از نظر عقلی قبیح است، بلکه مشاهده جنایت قتل بدون یاری‌رساندن به مقتول نیز امری مذموم و برخلاف عقل است؛ زیرا اصل حضور و سکوت ناظرین، جرئت و جسارت مباشر را در پی داشته و همین امر در وقوع جنایت نقش بسزایی خواهد داشت. در نتیجه باید در راستای حسن عقلی حفظ و صیانت از نفس و جان افراد، به لزوم عقلی مداخله ناظرین قتل حکم نموده و جهت اجرای حکم عقل، قوانین پیشگیرانه‌ای را وضع نمود و در صورت تخلف از قوانین مورد تأیید عقل، احکام جزایی خاصی، از جمله تعزیر را در نظر گرفت. (حلی، ۱۴۱۷: ۴۱۶).

به بیان دیگر در مواردی که شارع در مورد واجبات عقلی، مانند رد ودیعه و ادای دین می‌تواند تعزیر را برای خاطیان در نظر بگیرد، به طریق اولی در موارد حفظ دماء و نفوس که از اهمیت بیشتری برخوردار است، می‌تواند تعزیرات و مجازات‌های مختلفی را وضع نماید و نسبت به ناظرین جنایت مجازات مقتضی را اعمال نماید تا از وقوع چنین جرائمی جلوگیری نماید. زیرا از نگاه عقلی هر گونه مساعدت بر عمل مجرمانه که شارع نسبت به آن رضایت ندارد قبیح و دارای مفسده می باشد (بجنوردی، ۱۴۰۱، ۳۶۴/۱ (شوشتری، ۱۴۲۷، ۷۳/۲) و ناظر غیر دیده بان به دلیل دخالت غیر مستقیم در وقوع جنایت در پیشروی جرم نقش داشته و همین تاثیر گذاری غیر مستقیم ترتب مسئولیت کیفری شخص را به همراه خواهد داشت.

در حقیقت همچنانکه نفس ارتکاب مقدمات و زمینه‌سازی در جهت تحقق جنایت و اعانه بر جرم از حیث عقلی قبیح است ایجاد بسترهای لازم و فضای مساعد جهت تحقق جنایت نیز مذموم و قبیح بوده و برخورد متناسب با مجرم، از نظر عقل امری ضروری است. (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۱۷۸/۴) و در این صورت بنابر حکم عقل دفع منکر به هر صورت ممکن امری واجب و ضروری می باشد. (فاضل، ۱۴۱۶، ۴۵۴) در نتیجه لزوم برخورد قاطع با ناظران از لحاظ عقلی امری ضروری به نظر می‌رسد. چنانکه بعضی از فقها به این مطلب اشاره می‌کنند. (بجنوردی، ۱۴۰۱، ۲/۲۳۶)

۳-۲-۲-۲-۴. دفع مفسده و حفظ نظام اجتماعی

اصل حضور در صحنه جنایت و عدم هرگونه واکنش مناسب از سوی ناظرین بستر ارتکاب جنایت را برای مجرمان فراهم می‌سازد و سکوت ناظرین، مفسده بزرگ قتل را در پی خواهد داشت و تحقق قتل نیز، منشاء مفاسد بزرگ تری است که افشار مختلف جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، در حالیکه واکنش مقتضی از سوی ناظرین می‌تواند از وقوع مفسده بزرگ‌تر جلوگیری نماید. به علاوه، سکوت و مشاهده عمل مجرمانه از سوی ناظرین، امری برخلاف ارتکاز عقلا است. چنان که وجدان عمومی، افرادی را که حتی دارای وظیفه قانونی و قراردادی نمی‌باشند؛ اما به بهانه عدم وجود مسئولیت قانونی از انجام هرگونه واکنش متناسب سر باز می‌زنند، مستحق مجازات می‌داند. مخصوصاً نسبت به اموری مانند قتل و جنایت که برای شارع و عرف عقلا از اهمیت بسزایی برخوردار بوده و به هیچ‌عنوان رضایت به تحقق چنین جرائمی در جامعه نمی‌دهد. در این صورت باید گفت که عدم ترتب احکام جزایی نسبت به ناظر جنایت، ولو وظیفه قانونی نداشته باشد، امری برخلاف ارتکاز عقلا است. در نتیجه در صورت تحقق چنین فعلی از سوی ناظرین، اعلام جرم از سوی قانون‌گذار در مورد آنها امکان‌پذیر بوده و استحقاق تحمل مجازات از سوی حاکم شرع را دارند. (مفید، ۱۴۱۳: ۷۹۵) (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۱/۴۴۸) (ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۳/۵۳۵) (علامه، ۱۴۰۸: ۴/۱۵۵) (طوسی، ۱۳۸۷: ۸/۶۹) (عوده، ۲۰۰۹: ۱/۱۴۹)

در حقیقت بنابر دلیل چهارم، مبنای تحقق مجازات بر اساس مصالح و مفاسد اجتماعی است و اگر فعلی در تنافی با مصلحت اجتماعی بوده و مفسده‌ای را در پی داشته باشد، برای حفظ منافع عمومی و امنیت روحی و روانی جامعه، مقابله با متخلفان امری ضروری به نظر می‌رسد. اگرچه حرام شرعی در خارج محقق نشود و عنوان کراهت هم بر فعل مترتب نباشد. در نتیجه در صورت تحقق مفاسدی از این دست ترتب تعزیر امری مقبول و لازم خواهد بود. (شهیداول، بی‌تا: ۲/۱۴۳)

در نتیجه در راستای حفظ نظام اجتماعی و تأمین حقوق افشار مختلف جامعه و مصالح عمومی برخورد مناسب و قاطع با متخلفان و زمینه‌سازان وقوع جرم امری ضروری به نظر می‌رسد. اگرچه نهی صریح شرعی در مورد این‌گونه از تخلفات وجود نداشته باشد. چنانکه بعضی از فقها در این مورد بیان می‌دارند:

«اگر نظام اسلامی تشخیص دهد که عملی شرعاً نهی صریح ندارد، اما می‌توان با توجه به مصالح موجود در جامعه، آن را تحت پوشش یکی از اعمال منهی قرار داد، در این صورت، آن عمل ممنوع است و مجازات خواهد داشت.» (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۴/۲۴۶)

چنان که حقوقدانان نیز قائل به مسئولیت کیفری شخص ناظر تارک فعل بوده و دلیل بر این مطلب را حفظ مصالح جامعه بیان نموده‌اند:

« با تأسی از مثال معروف که «اگر کسی قادر به رفع خطر باشد و کوتاهی نماید معصیت کار است» لذا این چنین اهمال و قصوری که مضر به مصالح عمومی جامعه است با اینکه در قوانین جزایی مقرراتی برای برخورد با آن‌ها پیش‌بینی نشده است، قابل تعقیب و مجازات است.» (علی‌آبادی، ۱۳۶۸: ۵۷/۱،

در نتیجه وضع قوانین کیفری در مورد ناظر بر جنایت، امری ضروری به نظر می‌رسد تا از این طریق، نوع دوستی و احساس وظیفه نسبت به یکدیگر بیشتر شود و ضریب امنیت جامعه افزایش یافته و وقوع جنایات به‌طور چشمگیری کاهش یابد. (شامیاتی، ۱۳۹۲: ۱۰۸/۲)

در حقیقت مشاهده جنایت با فرض قدرت و عدم اقدام لازم از سوی ناظر، مرتبط با تحقق جنایت در خارج بوده و در این صورت اعلام جرم در مورد ناظر امکان‌پذیر است زیرا مشاهده جنایت از جمله مواردی است که «جرم فعل ناشی از ترک فعل» در مورد آن صادق بوده و مسئولیت کیفری شخص ناظر را در پی خواهد داشت. همچنانکه در ماده واحده مصوب ۱۳۵۴، خودداری از کمک به غیر، به‌عنوان تسبیب در بروز خطر و ضرر دانسته شده و مجازات تعزیری برای آن در نظر گرفته شده است. در نتیجه پیشنهاد می‌شود جهت پیشگیری از تسامح و تساهل اشخاصی که ناظر جنایت بوده و بدون انجام اقدام متعارف، به‌صورت تسبیبی در تایید مباشر و تسهیل جنایت نقش دارند، احکام و مقررات بازدارنده‌ای از سوی قانون‌گذار وضع گردد.

۴- نتیجه گیری

قانون مجازات اسلامی با احراز دیده‌بانی، ناظر در قتل را به‌عنوان معاون در جرم به رسمیت شناخته و تنها اجرای مجازات تعزیری را در مورد او محرز می‌داند؛ اما با کاوش در مستندات فقهی به دست می‌آید که مشهور فقها با در نظر گرفتن وحدت اراده بین ناظر و مباشر و تحقق دیده‌بانی، با توجه به

ضرورت ایفای نقش بازدارندگی مجازات ها، حکم به کورکردن یا تسمیل عین ناظر داده‌اند اما اشکال اساسی این نظریه این است که با فرض عدم تحقق دیده‌بانی، هیچ‌گونه مسئولیتی متوجه ناظرین جنایت نبوده، بلکه مشاهده جنایت امری جایز شمرده شده و هیچ‌گونه مسئولیتی را متوجه ناظر نمی‌کند. در حالیکه ترتب مسئولیت کیفری در فرض وجود وظیفه قانونی و قراردادی و ترک فعل از سوی ناظر، امری مسلم است. از سوی دیگر در فرض عدم وجود وظیفه قانونی نیز امکان تحقق عنوان معاونت از سوی ناظر غیر دیده بان وجود دارد و ترک فعل ناظر که به عنوان جزء علت تامه و از مقدمات ایجاد جرم محسوب می‌شود می‌تواند تاثیر بسزایی در وقوع جرم داشته باشد از سوی دیگر در فرضی که ناظر از لحاظ عنصر مادی و روانی با قاتل همراهی قصدی و عرفی نداشته باشد تحقق عنوان معاونت با چالشی جدی روبرو است اما با این حال در فرض قدرت ناظر بر دفاع از مجنی علیه و عدم خوف از ضرر، ترک فعل ناظر رافع مسئولیت کیفری نخواهد بود بلکه به دلیل عدم دخالت به موقع از سوی ناظر غیر دیده بان و ایجاد بستر و زمینه ارتکاب جنایت ترتب مجازات از راه تسبیب امکان پذیر است در نتیجه به نظر می‌رسد دخالت ناظرین جنایت جهت عدم وقوع قتل امری واجب و ضروری بوده و در صورت عدم واکنش مقتضی از سوی آنان، ترک واجب محقق و حرمت شرعی آن ثابت می‌شود. و حاکم می‌تواند مجازات تعزیری برای آن معین نماید؛ زیرا به دلیل قبح عقلی نظارت بر قتل و ترتب مفساد اجتماعی متعدد بر آن و به منظور جلوگیری از ارتکاب محرمات شرعی، ترتب حکم تعزیر به عنوان مجازات، امری ضروری به نظر می‌رسد. اما در صورتی که ناظر، قدرت بر دفاع از مجنی علیه را نداشته و خوف از ضرر داشته باشد یا به قصد غرض عقلایی، مانند تحمل شهادت، ناظر صحنه جنایت باشد، ترتب مجازات تعزیر ثابت نبوده و حکم به برائت ذمه ناظر خواهد شد.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن حزم، (۱۳۵۲ق) المحلی بالآثار، قاهره: اداره الطباعة المنيرية.
۲. اردبیلی، احمد بن محمد، (۱۴۰۳ق) مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم: اسلامی.

۳. اردبیلی، عبدالکریم موسوی، (۱۴۲۷ق)، **فقه الحدود والتعزیرات**، قم: دانشگاه مفید.
۴. اردبیلی، عبدالکریم موسوی، (۱۳۹۰ق)، **استفتائات قضایی**، تهران: معاونت آموزش قوه قضاییه.
۵. اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۹۸)، **حقوق جزای عمومی**، تهران: میزان.
۶. اردبیلی، احمد بن محمد، (بی تا)، **زبدۃ البیان فی أحكام القرآن**، تهران: المكتبة الجعفریة.
۷. اصفهانی، محمد بن حسن، (۱۴۱۶ق) **کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام**، قم: اسلامی.
۸. انصاری، مرتضی، شارح محمد کلانتر، (۱۴۱۰ق) **کتاب المکاسب (المحشی)**، قم: دار الكتاب،
۹. بجنوردی، سید محمد موسوی، (۱۴۰۱ق) **قواعد فقهیه**، تهران: عروج.
۱۰. تبریزی، جواد، (۱۴۱۷ق) **أسس الحدود و التعزیرات**، دفتر مؤلف، قم: اول.
۱۱. تبریزی، جواد، (۱۴۲۶ق) **تنقیح مبانی الأحكام - کتاب القصاص**، قم: دارالصدیقه الشهیده،
۱۲. حلّی، یحیی بن سعید، (۱۴۰۵ق)، **الجامع للمشرائح**، قم: سیدالشهداء العلمیة.
۱۳. حائری طباطبایی، سیدعلی، (بی تا)، **ریاض المسائل**، قم: آل البيت.
۱۴. حائری، سید محمد مجاهد طباطبایی، (بی تا)، **کتاب المناهل**، قم: آل البيت.
۱۵. حلبی، ابن زهره، حمزه بن علی، (۱۴۱۷ق) **غنیة النزوع إلى علمی الأصول والفروع**، قم: امام-صادق
۱۶. حقی بروسى، اسماعیل، (بی تا)، **تفسیر روح البیان**، بیروت: دارالفکر.
۱۷. حلبی، ابوالصلاح، تقی الدین، (۱۴۰۳ق) **الكافی فی الفقه**، اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام.
۱۸. حلّی، ابن ادریس، محمد بن منصور (۱۴۱۰ق)، **السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی**، قم: اسلامی.
۱۹. حلّی، محقق، جعفر بن حسن، (۱۴۱۸ق) **المختصر النافع فی فقه الإمامیة**، قم: انتشارات دینی
۲۰. حلّی، علامه، حسن بن یوسف، (۱۴۱۰ق) **إرشاد الأذهان إلى أحكام الإیمان**، قم: اسلامی.
۲۱. حلّی، حسن بن یوسف، (۱۴۲۰ق) **تحریر الأحكام الشرعیة علی مذهب الإمامیة**، قم: امام-

صادق.

۲۲. حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۳ق)، قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام، قم: اسلامی.
۲۳. حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۹ق) نهاییه الاحکام فی معرفة الاحکام، قم: آل البيت
۲۴. حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۳ق) مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة، قم: اسلامی.
۲۵. حلی، محمد بن شجاع، (۱۴۲۴ق) معالم الدین فی فقه آل یاسین، قم: امام صادق علیه السلام.
۲۶. حلی، محقق، جعفر بن حسن، (۱۴۰۸ق) شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، قم: اسماعیلیان.
۲۷. حلی، یحیی بن سعید، (۱۴۰۵ق)، الجامع للشرائع، قم: سیدالشهداء العلمیة.
۲۸. جزیری، عبدالرحمن - غروی، سید محمد - یاسرمازح، (۱۴۱۹ق)، الفقه علی المذاهب الأربعة، بیروت: دارالقلین.
۲۹. خالصی، محمد باقر، (۱۴۱۳ق) أحكام المحبوسین فی الفقه الجعفری، قم: اسلامی.
۳۰. خمینی، سید روح الله موسوی، (۱۳۷۹)، تحریر الوسیلة، قم: عروج.
۳۱. خوانساری، سید احمد بن یوسف، (۱۴۰۵ق) جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، قم: اسماعیلیان.
۳۲. خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۳۰ق) مصباح الفقاهة، کربلا، خویی.
۳۳. خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۲۲ق)، مبانی تکملة المنهاج، قم: إحياء آثار الإمام الخوئی.
۳۴. زمخشری، محمود، (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، لبنان: دارالکتب العربی.
۳۵. دیلمی، سلار، حمزة بن عبدالعزیز، (۱۴۰۴ق) المراسم العلویة و الأحکام النبویة، قم: الحرمین.
۳۶. سبحانی، جعفر، (۱۴۲۴ق) المواهب فی تحریر أحكام المكاسب، قم: امام صادق علیه السلام.
۳۷. سبزواری، سید عبدالاعلی، (۱۴۱۳ق) مهذب الأحکام، قم: المنار
۳۸. شامیاتی، هوشنگ، (۱۳۹۲)، حقوق جزای عمومی، تهران: مجد.
۳۹. شریف مرتضی، علی بن حسین، (۱۴۱۵ق) الانتصار فی انفرادات الإمامیة، قم: اسلامی
۴۰. شوشتری، سید محمد حسن مرعشی، (۱۴۲۷ق) دیدگاه های نو در حقوق، تهران: میزان.

۴۱. صدوق، محمدبن علی، (۱۴۱۳ق) **من لایحضره الفقیه**، قم: اسلامی.
۴۲. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۷). **تفسیر جوامع الجامع**، تهران: دانشگاه تهران.
۴۳. طبسی، محمدرضا، (بی تا) **ذخیره الصالحین**، مخطوط،
۴۴. طریحی، فخرالدین، (۱۴۱۶ق) **مجمع البحرین**، تهران: مرتضوی.
۴۵. طوسی، محمدبن حسن، (۱۴۰۷ق) **الخلاص**، قم: اسلامی.
۴۶. طوسی، محمدبن حسن، (۱۳۸۷ق) **المبسوط فی فقه الإمامیه**، تهران: المرتضویه.
۴۷. طوسی، محمدبن حسن، (۱۴۰۰ق) **النهایه فی مجرد الفقه والفتاوی**، بیروت: دارالکتاب العربی
۴۸. طوسی، محمدبن علی، (۱۴۰۸ق) **الوسیله الی نیل الفضیله**، قم: مرعشی.
۴۹. عاملی، محمدبن حسن، (۱۴۰۹ق) **وسائل الشیعۀ**، قم: آل‌البت.
۵۰. عاملی، شهید اول، محمدبن مکی، (بی تا). **القواعد و الفوائد**، قم: مفید
۵۱. عاملی، سیدجوادبن محمدحسینی، (۱۴۱۹ق)، **مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه**، قم: اسلامی.
۵۲. عاملی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۳ق) **مسالك الأفهام الی تنقیح شرائع الإسلام**، قم: المعارف الإسلامیة.
۵۳. عوده، عبدالقادر، (۲۰۰۹). **التشريع الاسلامی مقارنا بالقانون الوضعی**، قاهره،
۵۴. علی آبادی، عبدالحسین، (۱۳۶۸) **حقوق جنایی**، تهران: فردوسی.
۵۵. عمیدزنجانی، عباسعلی، (۱۳۸۲) **موجبات ضمان**، تهران: میزان
۵۶. قوه قضائیه، (۱۳۸۲). **مجموعه نظریات مشورتی فقهی در امور کیفری**، تهران: معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه
۵۷. قمی، سیدتقی طباطبایی، (۱۴۲۶ق) **مبانی منهج الصالحین**، قم: قلم‌الشرق،
۵۸. قمی، سیدصادق حسینی روحانی، (۱۴۱۲ق) **فقه الصادق علیه السلام**، قم: امام‌صادق علیه‌السلام
۵۹. کاشانی، رضا مدنی، (۱۴۱۰)، **کتاب القصاص للفقهاء والخواص**، قم: اسلامی

۶۰. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق) **الکافی**، تهران: اسلامی،
۶۱. گلپایگانی، سید محمد رضا موسوی، (۱۴۱۲ق) **الدر المنضود فی أحكام الحدود**، قم: دارالقرآن.
۶۲. گلپایگانی، سید محمد رضا موسوی، (۱۳۶۹)، **مجمع المسائل**، قم: دارالقرآن،
۶۳. گلپایگانی، لطف الله صافی، (بی تا). **التعزیر، أحكامه و حدوده**،
۶۴. لاری، سید عبدالحسین، (۱۴۱۸ق) **التعلیقہ علی المکاسب**، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.
۶۵. لنکرانی، محمد فاضل، (۱۴۲۱ق) **تفصیل الشریعہ فی شرح تحریر الوسیلہ - القصاص**، قم: ائمه اطهار،
۶۶. لنکرانی، محمد فاضل موحدی، (۱۴۱۶ق) **القواعد الفقہیة**، قم: چاپخانه مهر،
۶۷. محقق داماد، سید مصطفی، (۱۴۰۶ق) **قواعد فقہ**، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۶۸. مدنی تبریزی، یوسف، (۱۴۲۶ق) **کتاب القضا**، قم،
۶۹. مرعشی نجفی، سید شهاب الدین، (۱۴۱۵ق) **القصاص علی ضوء القرآن والسنة**، قم: مرعشی
۷۰. مراغی، میر عبد الفتاح حسینی، (۱۴۱۷ق) **العناوین الفقہیة**، قم: اسلامی.
۷۱. مغربی، نعمان بن محمد، (۱۳۸۵ق) **دعائم الإسلام**، قم: آل البيت،
۷۲. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ق)، **المقنعة**، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۷۳. میر محمد صادقی، حسین، (۱۳۹۶) **جرائم علیه اشخاص**، تهران: میزان.
۷۴. ملکی میانجی، محمد باقر، (۱۴۰۰ق) **بدائع الاحکام فی تفسیر آیات الاحکام**، بیروت: وفا
۷۵. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۶ق) **أنوار الفقاهة - کتاب التجارة**، قم: الإمام علی بن أبی طالب علیه السلام.
۷۶. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۷ق) **استفتاءات جدید**، قم: امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۷۷. نجفی، کاشف الغطاء، مهدی، (۱۴۲۳ق) **أحكام المتاجر المحرمة**، نجف: کاشف الغطاء.
۷۸. نجفی، محمد حسن، (۱۴۰۴ق) **جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام**، بیروت: دار احیاء التراث العربی،

۷۹. نجف‌آبادی، حسین‌علی منتظری، (۱۴۰۹ق) **دراسات في ولاية الفقيه و فقه الدولة- الإسلامية**، قم: تفکر.

۸۰. نجف‌آبادی، حسین‌علی منتظری، (۱۴۱۵ق) **دراسات في المكاسب المحرمة**، قم: تفکر.

۸۱. نجف‌آبادی، حسین‌علی منتظری، (بی تا)، **مجمع الفوائد**. قم.

۸۲. نراقی، احمد بن محمد مهدی، (۱۴۱۷ق) **عوائد الأیام في بیان قواعد الأحكام**، قم: دفتر تبلیغات- اسلامی.

۸۳. نراقی، احمد بن محمد مهدی، (۱۴۱۵ق) **مستند الشیعة في أحكام الشریعة**، قم: آل‌البيت.

مقالات

علیشاهی قلعه جویی، ابوالفضل، کریمی، اسحاق، (۱۳۹۸) **مجازات معاونت به گونه امساک در فقه شیعه و حقوق کیفری ایران**، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، دوره شانزدهم، شماره ۵۸،

۱۴۷-۱۷۲

References

The holy Quran.

۱. Aamily, Muhammad ibn Hasan, (۱۹۸۹) *Vasa'el Al-shia*, Qom: Al-Bayt.
۲. Aamily, the first martyr. Muhammad bin Makki, (no date), *al-Qasa'e va Al-Fawida*, Qom: Mufid
۳. Aamily, Seyyed Javad bin Mohammad Hosseini, (۱۹۹۹), *Miftah al-Karama fi Sharh Qaaba al-Allamah*, Qom: Islami.
۴. Aamily, Zain al-Din bin Ali, (۱۹۹۳) *Masalak al-Afham to the revision of the laws of Islam*, Qom: Al-Ma'arif-al-Islamiya.
۵. Ardabili, Ahmad bin Muhammad, (۱۹۸۳) *Majma al-Fedat and al-Burhan fi Sharh Irshad al-Azhan*, Qom: Islamic.
۶. Ardabili, Abdul Karim Mousavi, (۲۰۰۷), *Fiqh al-Hood and al-Tazirat*, Qom: Mufid University
۷. Ardabili, Abdol Karim Mousavi, (۲۰۱۳), *Judicial Consultations*, Tehran: Vice-Chancellor of Judiciary Education.
۸. Ardabili, Mohammad Ali, (۲۰۱۸), *Public Criminal Law*, Tehran: Mizan
۹. Ardabili, Ahmed bin Mohammad, (no date), *Zubdah al-Bayan fi Hakam al-Qur'an*, Tehran: Al-Jaafriya Library.
۱۰. Ansari, Morteza, Commentary on Mohammad Kalantar, (۱۴۱۰ AH) *Kitab al-Makasab (Al-Mahshi)*, Qom: Dar al-Kitab
۱۱. Ali-Abadi, Abdul Hossein, (۱۹۸۹) *Criminal Law*, Tehran: Ferdowsi.
۱۲. Amid Zanjani, Abbas Ali, (۲۰۰۳) *Maghibat-Zaman*, Tehran: Mizan

۱۳. Bojanvardi, Seyyed Mohammad Mousavi, (۱۹۸۱) *Qa'ab al-Fahhiyyah*, Tehran: Aruj
۱۴. Dilami, Salar, Hamza-bin-Abdul-Aziz, (۱۹۸۴) *Al-Marasim al-Alawiya and Al-Ahkam al-Nabawiyya*, Qom: Al-Harameen.
۱۵. Ebn hazm, (۱۹۴۲) *almohalla belasar*, gahere: Attebaate almonirie.
۱۶. Esfahani, Muhammad bin Hasan, (۱۹۹۶) *Kafsh-al-Latham wa al-Ibham an-Qawam-al-Ahkam*, Qom: Islami.
۱۷. Golpaygani, Seyyed Mohammad Reza Mousavi, (۱۹۹۲) *Al-Dar al-Manzoud fi Akhamak-al-Hudud*, Qom: Dar al-Qur'an.
۱۸. Golpaygani, Seyyed Mohammad Reza Mousavi, (۱۹۹۰), *Majmaul al-Masail*, Qom: Dar al-Qur'an
۱۹. Golpaygani, Lotfollah Safi, (no date) *Ta'azir, Ahakama and Hudah.*,
۲۰. Haeri Tabatabayi, Seyyed Ali, (no date), *Riyad-ul-Masail*, Qom: Al-Al-Bayt
۲۱. Haeri, Seyyed Mohammad Mujahid Tabatbayi, (no date), *Kitab Al-Manahel*, Qom: Al-Al-Bayt.
۲۲. Halabi, Ibn-Zahrah, Hamza-Ben-Ali, (۱۹۹۷) *Ghaniyyah al-Nizwa to the Knowledge of the Basics and Al-Faroo*, Qom: Imam Sadiq
۲۳. Haghi Brusi, Ismail, (no date), *Tafsir -Ruh-al Bayan*, Beirut: Dar al-Fekr.
۲۴. Halabi, Abul Salah, Taqi al-Din, (۱۹۸۳) *Al-Kafi al-Fiqah*, *Isfahan*: Library of Amir al-Mu'minin, peace be upon him.
۲۵. Helli, Ibn-Idris Muhammad Ibn-Mansour, (۱۹۹۹), *Al-Sura'ar al-Hawi for Tahrir al-Fatawi*, Qom: Islamic.
۲۶. Helli, Mohaghegh, Jafar ibn Hasan, (۱۹۹۸) *Al-Mukhtar al-Nafee in Fiqh al-Imamiya*, Qom: Religious Publications.
۲۷. Helli, Allameh, Hasan-bin-Yusuf, (۱۹۹۰) *Guidance of the mind to the principles of faith*, Qom: Islamic.
۲۸. Helli, Hasan-bin-Yusuf, (۲۰۰۰) *Tahrir al-Ahkam-al-Shariyah-Ali-Madhab-ul-Imamiya*, Qom: Imam Sadiq, peace be upon him.
۲۹. Helli, Hasan-bin-Yusuf, (۱۹۹۳), *Qa'aaal-ul-Ahkam fi-Ma'rafa-al-Halal-u-Haram*, Qom: Islamic.
۳۰. Helli, Hasan bin Yusuf, (۱۹۹۸) *End of rulings in the definition of rulings*, Qom: Al-Al-Bayt.
۳۱. Helli, Hasan-bin-Yusuf, (۱۹۹۳) *Various Al-Shi'ites in Al-Ahkam Al-Shari'a*, Qom: Islamic.
۳۲. Helli, Muhammad bin Shuja'a, (۲۰۰۴) *Ma'alim al-Din fiqh al-Yasin*, Qom: Imam Sadiq (peace be upon him.)
۳۳. Helli, Mohaghegh, Jafar ibn Hasan, (۱۹۸۳) *Islamic Laws in Issues of Halal and Haram*, Qom: Ismailian..
۳۴. Helli, Yahya bin Saeed, (۱۹۸۵), *Al-Jamee Lal-Sharae*, Qom: Seyyed al-Shuhada Al-Elamiya.
۳۵. Helli, Yahya bin Saeed, (۱۹۸۵), *Al-Jamae-Ilal-Sharae*, Qom, Seyyed al-Shuhada al-Alamiya
۳۶. Jeziri, Abdurrahman-Gharavi, Seyyed Mohammad-Yasermazeh, (۱۹۹۹),

Fiqh Ali al-Mahhab al-Al-Adhare, Beirut: Dar al-Saqlain.

۳۷. Judiciary, (۲۰۰۳). *Collection of jurisprudential advisory opinions in criminal matters*, Tehran: Vice-Chancellor of Education and Research of the Judiciary.

۳۸. Khalsi, Mohammad Baqir, (۱۹۹۳) *The rulings of the prisoners in Fiqh al-Jaafari*, Qom: Islamic.

۳۹. Khomeini, Seyyedrouh Allah Mousavi, (۲۰۰۰), *Tahrir al-Usula*, Qom: Aruj .

۴۰. Khansari, Seyyed Ahmad bin Youssef, (۱۹۸۵) *Jami al-Madarak fi Sharh Khats al-Nafi*, Qom: Ismailian.

۴۱. Khoiy, Sayyedab al-Qasim, (۲۰۱۰) *Misbah al-Faqaha*, Karbala, Khoi

۴۲. Khoiy, Seyyedab al-Qasim, (۲۰۰۲), *the basics of the completion of al-Manhaj*, Qom: Revival of the works of Imam al-Khoiy.

۴۳. Zamakhshari, Mahmoud, (۲۰۰۷), *Al-Kashf on the facts of Ghwamaz al-Tanzir*, Lebanon: Dar al-Kitab al-Arabi.

۴۴. Sobhani, Ja'far, (۲۰۰۴) *Al-Mahwah fi Tahrir-e-Hakam al-Makasab*, Qom: Imam Sadiq

۴۵. Kashani, Reza Madani, (۲۰۱۰), *Kitab Al-Qasas for Fiqha and Khawas*, Qom: Islamic.

۴۶. Koleini, Mohammad bin Yaqub, (۱۹۸۷) *Kafi*, Tehran: Islami,.

۴۷. Lari, Seyyed Abd al-Hosseini, (۱۹۹۸) *Al-Talaqeeh Ali Al-Makasab*, Qom: Al-Maarif Al-Islamiya Foundation.

۴۸. Lankarani, Mohammad Fazil, (۲۰۰۱) *Details of the Sharia in Sharh Tahrir al-Wusila - Al-Qasas*, Qom: Imama-Athar.

۴۹. Lankarani, Mohammad Fazil Mohadi, (۱۹۹۶) *al-Qasas al-Fiqhiyah*, Qom: Mehr Printing House,

۵۰. Mohagheq Damad, Seyyed Mostafa, (۱۹۸۶) *Qaaaaaf Fiqh*, Tehran: Islamic Sharia Science Center.

۵۱. Madani Tabrizi, Yusuf, (۲۰۰۶) *Kitab Al-Qada*, Qom.

۵۲. Marashi Najafi, Seyyed Shahabuddin, (۱۹۹۵) *Al-Qasas Ali-Abdu Al-Qur'an and Sunnah*, Qom: Marashi

۵۳. Maraghi, Mira Abd al-Fattah-Hosseini, (۱۹۹۷) *Al-Tawsaf-Al-Fiqhiyah*, Qom: Islamic.

۵۴. Maghrib, Noman-bin-Mohammed, (۱۹۶۶) *Duaim-ul-Islam*, Qom: Al-Al-Bayt.

۵۵. Mofid, Muhammad bin Muhammad, (۱۹۹۳), *Al-Maqna'a*, Qom: World Congress of Hazara Sheikh Mofid.

۵۶. Mir Mohammad Sadeghi, Hossein, (۲۰۱۶) *Crimes against individuals*, Tehran: Mizan.

۵۷. Maliki-Mianji, Mohammad Baqer, (۱۹۸۰) *Bada'e-al-ahkam fi Tafsir Ayat-al-ahkam*, Beirut: Wafa

۵۸. Makarem-Shirazi, Nasser, (۲۰۰۶) *Anwar al-Faqaha - Kitab-Al-Tijara*, Qom:

Imam Ali Ibn Abi Talib peace be upon him.

۵۹. Makarem-Shirazi, Nasser, (۲۰۰۷) *New Esfatatayat*, Qom: Imam Ali Ibn Abi Talib, peace be upon him.

۶۰. Najafi, Kashf-al-Ghata, Mahdi, (۲۰۰۳) *Hakam-ul-Matajir al-Muharma*, Najaf: Kashf-al-Ghata

۶۱. Najafi, Mohammad Hasan, (۱۹۸۴) *Javaher al-Kalam fi Sharh-Sharae-ul-Islam*, Beirut: Dar-e-Hiya-Al-Trath-Al-Arabi.

۶۲. Najafabadi, Hossein-Ali Montazeri, (۱۹۸۹) *Studies in Islamic jurisprudence and jurisprudence*, Qom: Thought.

۶۳. Najafabadi, Hossein Ali Montazeri, (۱۹۹۰) *Studies in Al-Mukhasab al-Muharmah*, Qom: Tassara.

۶۴. Najafabadi, Hossein Ali Montazeri, (no date), *Majma al-Fawadee*. Qom

۶۵. Naraghi, Ahmed Ibn Mohammad Mahdi, (۱۹۹۷) *Awaed Al-Ayam in the statement of the rules of the law*, Qom: Tablighiat-Islami.

۶۶. Naraghi, Ahmed bin Mohammad Mahdi, (۱۹۹۰) *Documentary of the Shia in the provisions of the Shariah*, Qom: Al-Al-Bayt.

۶۷. Odeh, Abdul Qadir, (۲۰۰۹). *Islamic jurisprudence compared to the state law*, Cairo

۶۸. Tabrizi, Javad, (۱۹۹۷) *As-al-Hudud and Ta'azirat*, Qom: Author's Office.

۶۹. Tabrizi, Javad, (۲۰۰۶) *Revision of the Basics of Al-Haqam - Kitab-al-Qasas*, Qom: Dar al-Siddiqah-al-Shahida

۷۰. Qommi, Seyyed Taqi Tabatbahi, (۲۰۰۶) *Basics of the Methodology of the Salehs*, Qom: Qalam Al-Sharq.

۷۱. Qommi, Seyyed Sadiq Hosseini Rouhani, (۱۹۹۲) *Fiqh al-Sadiq (peace be upon him)*, Qom: Imam Sadiq (peace be upon him)

۷۲. Sabzevari, Seyyed Abd al-Oghal, (۱۹۹۳) *Mahdzab al-Ahkam*, Qom: Al-Manar

۷۳. Shambiati, Hoshang, (۲۰۱۲), *General Criminal Law*, Tehran: Majd.

۷۴. Sharif Mortaza, Ali bin Hossein, (۱۹۹۰) *Al-Intisar fi Infradat al-Imamiya*, Qom: Islami

۷۵. Shushtri, Seyyed Mohammad Hassan Marashi, (۲۰۰۷) *New perspectives in law*, Tehran: Mizan.

۷۶. Sadouq, Muhammad Bin Ali, (۱۹۹۳) *Man Lay Hazra Al-Faqih*, Qom: Islamic

۷۷.- Tabarsi Fazl bin Hassan, (۱۹۰۸). *Tafsir Jameem-Al-Jamee*, Tehran: . University of Tehran

۷۸. Tabasi, Mohammadreza, (no date) *Sahikar-al-Salehin*, manuscript

۷۹. Tarehi, Fakhreddin, (۱۹۹۶) *Majma-ul-Bahrin*, Tehran: Mortazavi

۸۰. Tusi, Muhammad Bin Hasan, (۱۹۸۶) *Al-Khilaf*, Qom: Islamic

Tusi, Mohammad bin Hasan, (۱۹۶۸) *Al-Mabusut Fi-Fiqh al-Imamiya*, Tehran:

۸۱. Al-Mortazawiyah

۸۲. Tusi, Muhammad bin Hasan, (۱۹۸۰) *The end of jurisprudence and al-fatawi*, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi
۸۳. Tusi, Muhammad bin Ali, (۱۹۸۰) *al-Wasilah al-Nil al-Fadilah*, Qom: Marashi.

Articles

- Alishahi Qalajoyi, Abolfazl, Karimi, Ishaq, (۲۰۱۸) *Punishment of Deputy as Amsak in Iranian Shia Jurisprudence and Criminal Law*, *Islamic Jurisprudence and Law Research Quarterly*, ۱۶th Volume, Number ۵۸, ۱۴۷-۱۷۲

